

## آری! «جگرمان سوخت»

حسین قدیانی



رئیس دولت اعتدال بنا به اعتراف خود، مبلغ اسلامی است که پسوند «رحمانی» را پدک می‌کشد. یعنی مثلاً چند پله مهربان‌تر از «اسلام انقلابی» که بزرگ‌ترین مبلغ شخص امام راحل عظیم‌الشان بود. حال بیاییم ببینیم این «اسلام رحمانی» فی‌الواقع چند پله مهربان‌تر از «اسلام انقلابی» است یا نه! حکایت آن مثل معروف است که «ترجم بر پلنگ تیز دندان/ ستمکاری بود بر گوسفندان!»

القضا دیروز که داشتم محتوای تیرت یک «وطن امروز» چهارشنبه را می‌خواندم، بیشتر متوجه عمق معنای اسلام رحمانی مدعیان اعتدال شدم! اسلام رحمانی در مقام عمل یعنی شیعه و سنی کشته بسازد و انقدر زیاد که از این کشته، پشته بسازد، آنوقت این باشد درددل همسر شهید جگر سوخته ما که «قای ظریف مصاحبه کرد و گفت ما با اینکه ۵۰۰ شهید دادیم ولی رابطه‌مان با سعودی دچار مشکل نشده است... ما درباره شهدای مان هیچ حمایتی از دولت ندیدیم... به آنها می‌گویند «برادران سعودی»! آنها برادر می‌شوند؟! اگر واکنش قاطع رهبر معظم انقلاب نبود، امکان بازگشت ابدان شهدای ما وجود نداشت...! و این یعنی «اسلام رحمانی»! البته معنای دقیق‌تر این اسلام، حقا که «اسلام غیر رحمانی» است! طرفه حکایت اینجاست؛ شجره ملعونه سعودی برای دیوار سفارت خود گریبان چاک می‌کند، لیکن مبلغان اسلام غیر رحمانی رحمانی (!) ناظر بر جان‌باختن نزدیک به ۵۰۰ هموطن خود، چنان بی‌مایه و سسر، مایه می‌گذارند که خانواده این قربانیان جملگی دل پر درد داشته باشند از دست حضرات! بخوانید: «گر سیاست دولت این است که در روابط با سعودی‌ها تنش ایجاد نشود، باید گفت در شرایطی که آنها ۵۰۰ ایرانی را کشته‌اند، ما نباید پیگیری کنیم؟! به نظرم اگر حادثه تعرض به ۲ نوجوان ایرانی یا حادثه جرئت‌گشایی بدرستی پیگیری می‌شد، شاید حادثه منا پیش نمی‌آمد. بالاخره سعودی‌ها می‌فهمند ایران نسبت به حقوق اتباعش حساسیت ویژه‌ای دارد ولی وقتی می‌بینند سپس از تجاوز به نوجوانان ایرانی، وزارت امور خارجه واکنش درستی نشان نمی‌دهد و به دنبال آن چند ایرانی در مسجدالحرام شهید می‌شوند و باز وزارت امور خارجه واکنشی نشان نمی‌دهد، حادثه منا را هم با خیال آسوده پیش می‌آورند.» اینک گامگام وقت شهنشاهی برای طرح این پرسش است که آیا واقعا «اسلام رحمانی» چند پله مهربان‌تر از «اسلام انقلابی» است؟! البته هست و نیست! اسلام رحمانی در مواجهه با آن خون‌آشامان بی‌رحمی که «برادران سعودی» می‌خواندشان، چند پله ناقلی که چه عرض کنم، هزاران پله مهربان و اهل ملامت است، لیکن آنجا که به جان بی‌جان هموطن خود می‌رسد، آنقدر مهربانی یادش می‌رود که خانواده قربانی حج، با دلی خون برادر بگوید: «جگرمان سوخت» خواهد مرا! شیرین دماغ! راستش را بخواهی ما هم سوختیم وقتی درددل‌های تو را خواندیم! منتهای مراتب، این را بدان که تو تنها نیستی! مادر شهید مدافع حرم هم دل خونی دارد از دست حضرات مبلغ اسلام مثلا رحمانی! آنجا که خودت تحریمی شیرین‌چهره‌های قاسم سلیمانی در سپاه قدس را کلید زد، دولت اعتدال، خیلی خوب مزد صبر این مادر شهید را داد! سرکار خانم دکتر روح‌افزا! اگر شما از همصدایی آقایان با شجره ملعونه سعودی غمگینی، مادران شهید مدافع حرم هم از همصدایی حضرات با لعین داعشی دل خونی دارند! همصدایی با ترویرست‌های تکفیری، آیا مصلحتی جز این هم دارد که بردارند با دست خود، سرباز خط مقدم نبرد با حرامی‌ترین حرامیان تاریخ را اینگونه تحریم کنند؟! من حالا می‌فهمم چرا «بانک» دقیقا باید بر وزن «بانک» باشد! شلیک، آن هم از جناح پول بیت‌المال و پول خود مردم و آن هم به قلب بچه‌های خود این مردم که غریبانه دارند در چینه‌های شام می‌چکنند، بلکه پای اجنبی اصلا و اساسا به خاک پاک وطن نرسد! آری! قصه این است... و دیروز معلوم شد که بزرگان هم از دست این اسلام مثلا رحمانی و این دست‌فرمان بی‌رحم آقایان، چقدر گله دارند!

ادامه در صفحه ۵

رهبر انقلاب در دیدار خانواده شهدای منا و مسجدالحرام بر اجرای وظایف دستگاه‌های مختلف برای رسیدگی جدی به فجایع حج خونین سال گذشته تأکید کردند

# کمیته حقیقت‌یاب باید تشکیل شود



## تأملی در اظهارات وزیر اقتصاد پیرامون FATF

دکتر سیدباصر جبرائیلی

« If Iran Meets Its Commitments Under The Action Plan In That Time Period, The FATF Will Consider Next Steps In This Regard».

این است که دولت محترم باید خود را برای ارائه تعهدات بیشتر طی گام‌های بعدی آماده کند که بالاتر دید، اجرای توصیه ۷ یکی از این گام‌هاست. ۶- جناب آقای طیب نیا، معاون ایشان آقای قضاوی و حتی افرادی چون آقای مسعود پزشکیان و دیگران مدام می‌گویند مخالفان FATF در صهیونیست‌ها همسو هستند چرا که صهیونیست‌ها نیز مخالف اجرای دستورالعمل‌های FATF در ایرانند. من دقیقا نمی‌دانم صهیونیست‌ها در کدام مکان و زمان با اجرای توصیه‌های FATF در ایران مخالفت کرده‌اند و سند مدعی این آقایان کجاست. حقیقتا تا زمان نگارش یادداشت حاضر نیز در این باره جست‌وجو نیز نکرده‌ام چون منطبق مواجعه ما با مسأله FATF مواضع صهیونیست‌ها نبوده است. لکن پیرو اتهامات مکرری که مبنی بر همسویی با صهیونیست‌ها به منتقدان زده شد، در یک بررسی به اسنادی دقیقا برعکس ادعای دوستان دولت دست یافتیم! لایه صهیونیستی معروف آپیک در آمریکا ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶ طی بیانیه‌ای از اینکه FATF اقدامات متقابل علیه ایران را به شرط عملیاتی کردن «برنامه اقدام» در زمان وعده داده شده، به حالت تعلیق در آورده، انتقاد کرده و گفته است «حتی اگر کسی تصور کند که ایران از تأمین مالی این سازمان‌ها (حماس و حزب‌الله) دست برمی‌دارد، تعهد ایران به FATF در این باره صرفا یک وعده است». بنابراین، از قضا صهیونیست‌ها کاملا به دنبال رعایت توصیه‌های FATF در ایران هستند و همه نگرانی‌شان این است که برنامه اقدامی که آقای طیب نیا برای اجرای آن تعهد سیاسی داده، «صرفا یک وعده باشد». البته آقای طیب نیا در گفت و گوی ویژه این نگرانی را برطرف کرده و گفتند که به اجرای برنامه اقدام اصرار دارند.

ماجرای FATF، قدم به قدم یادآور برجام است و همان خسارت محض و دستاورد «تقریبا هیچ»ی را نوید می‌دهد که از برجام حاصل شده است. متأسفانه بررسی دقیق رویکرد و عملکرد دولت به ما می‌گوید تقریبا در تمام دستگاه‌های دولتی یک برجام در دست اجراست که همان توجیهات و همان وعده‌ها را شامل است. یک بار دیگر تصریح و تأکید می‌کنیم مسأله منتقدان با FATF، نه مبارزه با پولشویی و نه مبارزه با تأمین مالی تروریسم و نه حتی اجرای توصیه‌های مفید FATF چون شناسایی هویت مشتری و تانسین نهادهای برای مقابله با پولشویی در داخل کشور نیست بلکه با اراده دولت محترم برای تحریم داخلی افراد و نهادهای تحت تحریم آمریکا، اتحادیه اروپایی و سازمان ملل است که نقش FATF در این میان، فقط یک ضمانت‌کننده اعمال شدن این تحریم‌هاست.

می‌فرمایند این تعهد در چارچوب قانون اساسی داده شده، لذا برای هر بخش از تعهد، نهاد مسؤول در قانون اساسی باید تصمیم بگیرد. از سوی دیگر FATF خروج ایران از لیست سیاه را منوط به اجرای کامل این برنامه اقدام کرده است. معنای روشن این سخن این است که فی‌المثل اگر آقای طیب‌نیا تعهد داده است قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب مجلس شورای اسلامی را که سازمان‌های آزادی‌بخش و مبارزان با اشغالگری را تروریست نمی‌داند، اصلاح کند و این استثناها را بردارد، این مسأله منوط به تغییر قانون مجلس است و اگر روال مربوط برای تغییر قانون طی نشد، از لیست سیاه خارج نخواهیم شد و این مسأله دیگر به وزارت اقتصاد ارتباطی ندارد، بلکه مقصر مجلس است! یا اگر ایشان تعهد داده‌اند ایران به کنوانسیون‌های «پارامو» و «وین» بپیوندند، مجلس باید تصویب کند و اگر نکند، مجلس مسؤول خارج نشدن از لیست سیاه است. جالب اینکه شورا برای مبارزه با پولشویی که وزیران محترم دولت از جمله آقای طیب‌نیا عضو آن هستند اخیرا بیانیه داده و تصریح کرده «از جهت مفهومی، ایران در تعریف تروریسم با جامعه بین‌المللی همسو است». این جمله بطور با مدعای وزیر محترم اقتصاد قابل جمع است که می‌گویند «هیچ‌گونه تعریف بین‌المللی راجع به تروریسم وجود ندارد و جمهوری اسلامی ایران از تعاریف هیچ نهاد یا کشوری در این زمینه تبعیت نمی‌کند». دولت یازدهم البته در ۲ سال اخیر به وضوح منظور خود از عبارات «جامعه جهانی» و «دنیا» را تبیین کرده و بر کسی پوشیده نیست که وقتی این دولت می‌گوید جامعه جهانی، منظورش دقیقا آمریکا و شرکاست.

۵- نکته مهم دیگری که درباره فرمایشات آقای طیب‌نیا وجود داشت اینکه فرمودند توصیه ۷ که براساس آن افراد و نهادهای تحت تحریم در قطعنامه برجام (۲۳۲۱) باید به صورت کامل در داخل تحریم شده و حتی اموال‌شان نیز مسدود شود، در برنامه اقدام نیست. فرمایش ایشان صحیح اما ناقص است. تقریبا همه لیست ۲۳۲۱ در لیست SDN آمریکا نیز قرار دارند و لذا به ادعای معاون ایشان، در حوزه خدمات ارزی تحریم خواهند شد. درباره مصادره اموال این ۸۷ فرد و نهاد (لیست ۲۳۲۱) نیز باید توجه داشت FATF به هیچ‌وجه ایران را از توصیه ۷ معاف نکرده است. اگر آقای طیب‌نیا یک بار دیگر بیانیه ۲۴ جولای FATF را مطالعه فرمایند، خواهند دید آنچه در برنامه اقدام (Action Plan) تعهد داده‌اند، پایان ماجرا نیست، بلکه اول راه است و برنامه‌های اقدام بعدی نیز در راه است. در بیانیه تصریح شده است:

طرح می‌شود. پس از ایجاد سازوکاری که شرح آن رفت، بانک‌های خارجی که توسط آمریکا از انجام تراکنش‌های شامل افراد باقیمانده در تحریم، منع شده‌اند، از کانال FATF از تهران درخواست خواهند انبوهی از اسناد بین‌المللی درباره حمایت عربستان آمریکا، در تراکنش ارزی آنها با بانک مرکزی و سایر بانک‌های ایرانی «ذنی‌نفع» هستند یا خیر؟ اگر واحد تهران پاسخ مثبت دهد، بانک‌های خارجی از انتقال ارز خودداری خواهند کرد، چرا که از اعمال جریمه تحریم آمریکا هراس دارند و زخم‌خورده‌اند. سازوکار FATF از نسوی دیگر امکان هرگونه دورزنی و ارائه اطلاعات نادرست به طرف خارجی را بسته است. این است که دولت تدبیر و امید تصمیم گرفته پیش از اعلام خارج، ارتباط ارزی ۱۷۸ فرد و نهاد تحت تحریم آمریکا و البته ۸۷ فرد و نهاد تحت تحریم قطعنامه ۲۳۲۱ سازمان ملل را با سیستم بانکی کشور قطع کند تا هنگام استعلامات از کانال FATF، بتوانند صادقانه پاسخ منفی درباره ذنی‌نفع بودن تحریم‌شدگان بدهد. آقای قضاوی، معاون بیمه و بانک وزیر اقتصاد که تلفنی به مناظره راقم این سطور با یک نماینده دیگر دولت در شبکه خبر پیوسته بودند، به صراحت تأیید کردند لیست تحریم SDN با سازوکار FATF دچار مشکل خواهد شد اما گفتند این لیست «محدود» است. واقعیت اما این است که این لیست، محدود نیست. وزارتخانه‌های اطلاعات، ارشاد، دفاع، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برنامه موشکی کشور، سپاه قدس، و بطور خلاصه کل سیستم امنیتی و دفاعی کشور در این «لیست محدود» قرار دارند و عملا از هرگونه خدمات و دارایی ارزی محروم خواهند شد. ادعای دولت این است که پیش از برجام نیز این لیست نمی‌توانست خدمات ارزی دریافت کند، در صورتی که اولاً به گفته مسؤولان این نهادها، قبل از برجام، از طریق دور زدن تحریم معاملات ارزی انجام می‌دادند! ثانیاً نامه‌هایی که از نسوی بانک‌های ملت، سپه و ملی خطاب به این شرکته‌ها نوشته شده و منتشر نیز شده است، همه مربوط به سال ۹۵ یعنی دوران تحریم FATF است. کارکرد ویژه نیز برای آمریکا دارد و آن اینکه قبل از برجام، نهادهای اطلاعاتی آمریکا مسؤول شناسایی افراد و نهادهایی بودند که با تحریم‌شدگان همکاری می‌کنند اما اکنون از کانال FATF براحتی و با یک استعلام ساده توسط یک بانک همکار، به این اطلاعات دست خواهند یافت. لذا باید گفت تحریم‌های آمریکا موثرتر و هوشمندانه‌تر از قبل اعمال خواهد شد.

۴- آقای دکتر طیب‌نیا در پاسخ به انتقاد منتقدان درباره تعهدی که در برنامه اقدام به FATF داده‌اند،

اسلامی ایران که در خط اول مبارزه با تروریسم است در این لیست سیاه قرار داشته باشد اما حامیان اصلی داعش در آن نباشند». البته شایسته بود ایشان به صراحت مورد عربستان را شفاف‌تر بیان می‌کردند. انبوهی از اسناد بین‌المللی درباره حمایت عربستان سعودی از داعش که به موجب توصیه شماره ۶ FATF و قطعنامه ۱۲۶۷ سازمان ملل متحد تحریم شده است، وجود دارد که با حداقل دانش اینترنتی و یک جست‌وجوی ساده می‌توان به این اسناد دست یافت؛ چرا عربستان سعودی در لیست سیاه و اقدام متقابل FATF قرار ندارد؟

آقای دکتر طیب‌نیا که بدرستی از انگیزه سیاسی برای قرار دادن ایران در لیست سیاه سخن گفته‌اند، حتما به این گزاره نیز معتقدند که پدید آمدن مالی تروریسم در منطقه، یعنی عربستان سعودی، با انگیزه سیاسی در لیست سیاه نیست. بنابراین ایشان یقین بدانند اولاً ذغدغه FATF درباره ایران تأمین مالی تروریسم و پولشویی نیست و ثانیاً به همان دلیلی که سعودی در لیست سیاه قرار نگرفته، ایران تا زمانی که یک عربستان دیگر برای غرب نشود، از این لیست‌های سیاه خارج نخواهد شد. ماجرا وقتی خنده‌دارتر می‌شود که بدانیم عربستان سعودی مستقیما عضو ناظر و از طریق شورای همکاری خلیج‌فارس، عضو اصلی و تصمیم‌گیر FATF است و برای دیگر کشورها توصیه مبارزه با تروریسم می‌نویسد!

۲- وزیر اقتصاد دولت تدبیر و امید می‌گویند FATF هیچ‌گونه بانک اطلاعاتی برای جمع‌آوری اطلاعات ندارد و ایران هیچ‌گونه اطلاعات مالی به این نهاد نخواهد داد. این سخن کاملا صحیح است. بارها گفته‌ایم که نقش FATF فقط ایجاد یک کانال مطمئن برای انتقال اطلاعات میان کشورها حسب درخواست طرف خارجی است و خود این نهاد به جمع‌آوری اطلاعات نمی‌پردازد. اطلاعات مالی و بانکی توسط دولت ایران جمع‌آوری می‌شود و حتی توسط خود دولت ایران به درخواست‌کنندگان خارجی داده می‌شود. اما نقش FATF در اینجا این است که عملکرد دقیق و بی‌نقص و بدون امکان فریب را در این فرآیند ارزیابی و تأیید کند. طبق برنامه اقدام که آقای طیب‌نیا تعهد به اجرای آن داده، ایران باید هویت «ذنی‌نفع واقعی» را شناسایی کرده و بدون محدودیت این اطلاعات را با درخواست‌کنندگان به اشتراک بگذارد. ایشان متعهد شده‌اند تا ماه مه ۲۰۱۷ این سازوکار را ایجاد کنند. اینجاست که مسأله تحریم‌های سازمان ملل متحد و حتی تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اتحادیه اروپایی و مهم‌تر از آن مسأله خودتحریمی

جناب آقای طیب‌نیا، وزیر

محترم اقتصاد سه‌شنبه‌شب گذشته در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما، نکات مهمی را درباره FATF مطرح و سعی کردند در مقام پاسخ به انتقادات برآیند. درباره فرمایشات ایشان تأملات زیر ضروری به نظر می‌رسد.

۱- وزیر محترم اقتصاد توضیحات مبسوطی درباره ضرورت فواید شفافیت اقتصادی و ضرورت مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم ارائه کرده و گفتند: «در بحث مبارزه با پولشویی به دنبال شفاف‌سازی و شناسایی مجاری نقل و انتقال منابع مالی هستیم و اگر بتوانیم این شفاف‌سازی را انجام دهیم قطعاً خواهیم توانست ضربات جدی به مفاسد مالی وارد کنیم و به همین دلیل بود که مسؤولان اقتصادی کشور به این نتیجه رسیدند در بحث مبارزه با پولشویی فعلا نه عمل کنیم».

پرسش نخست ما در این باره این است که این سیاست درست مالی چه ارتباطی به FATF دارد؟ آیا بدون توافق با FATF امکان شفاف‌سازی و مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم وجود ندارد؟ پرسش دیگر اینکه در سال‌های اخیر چه کسانی با چه بهانه‌هایی مقابل ایجاد شفافیت داخلی ایستاده‌اند و چه کسانی از این وضعیت سودهای کلان به جیب زده‌اند؟ وقتی خواستار شناسایی ثروتمندان و قطع یارانه ۴۵ هزار تومانی آنان شدیم، چه کسانی ژست اخلاقی مداری گرفتند و گفتند «می‌خواهیم به حساب مردم سرک بکشیم»؟ پیشنهاد جدی ما این است که یک اتاق وضعیت مالی تحت نظر شورایی عالی امنیت ملی تشکیل شده و تمام تراکنش‌های مالی بیش از یک رقم معین، یا حساب‌های افراد خاص و مسؤولان، به دقت رصد شود و مورد بررسی قرار گیرد تا لاقول دولت محترم از فجایعی چون دریافت حقوق‌های نجومی توسط مدیران خود باخبر باشد. یا فی‌المثل وقتی فردی با فشار آقای خاص ۴۰۰ میلیون درهم وام با سود نزدیک به صفر می‌گیرد و آن را با سود ۲۴ درصد سپرده‌گذاری می‌کند، اتاق وضعیت یاد شده این پدیده‌ها را به امانی کشور هشدار دهد و جلوی این فسادها گرفته شود. لذا شفافیت و مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین اقداماتی است که باید انجام گیرد و باید به مسؤولان پیگیر این امر مدال طلای شجاعت و قهرمانی داد. لکن نه این ماجرا به FATF ارتباطی دارد و نه اساسا مسأله اصلی منتقدان با FATF، این شعاری زیبا بوده است.

۲- آقای دکتر طیب‌نیا درباره قرار گرفتن ایران در لیست سیاه FATF به نکته بسیار درستی اشاره کرده و گفتند: «قطعاً این اقدام با انگیزه‌های سیاسی و به ناحق صورت گرفته بود و متأسفانه نبود جمهوری

یادداشت امروز



محترم اقتصاد سه‌شنبه‌شب گذشته در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما، نکات مهمی را درباره FATF مطرح و سعی کردند در مقام پاسخ به انتقادات برآیند. درباره فرمایشات ایشان تأملات زیر ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش نخست ما در این باره این است که این سیاست درست مالی چه ارتباطی به FATF دارد؟ آیا بدون توافق با FATF امکان شفاف‌سازی و مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم وجود ندارد؟ پرسش دیگر اینکه در سال‌های اخیر چه کسانی با چه بهانه‌هایی مقابل ایجاد شفافیت داخلی ایستاده‌اند و چه کسانی از این وضعیت سودهای کلان به جیب زده‌اند؟ وقتی خواستار شناسایی ثروتمندان و قطع یارانه ۴۵ هزار تومانی آنان شدیم، چه کسانی ژست اخلاقی مداری گرفتند و گفتند «می‌خواهیم به حساب مردم سرک بکشیم»؟ پیشنهاد جدی ما این است که یک اتاق وضعیت مالی تحت نظر شورایی عالی امنیت ملی تشکیل شده و تمام تراکنش‌های مالی بیش از یک رقم معین، یا حساب‌های افراد خاص و مسؤولان، به دقت رصد شود و مورد بررسی قرار گیرد تا لاقول دولت محترم از فجایعی چون دریافت حقوق‌های نجومی توسط مدیران خود باخبر باشد. یا فی‌المثل وقتی فردی با فشار آقای خاص ۴۰۰ میلیون درهم وام با سود نزدیک به صفر می‌گیرد و آن را با سود ۲۴ درصد سپرده‌گذاری می‌کند، اتاق وضعیت یاد شده این پدیده‌ها را به امانی کشور هشدار دهد و جلوی این فسادها گرفته شود. لذا شفافیت و مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین اقداماتی است که باید انجام گیرد و باید به مسؤولان پیگیر این امر مدال طلای شجاعت و قهرمانی داد. لکن نه این ماجرا به FATF ارتباطی دارد و نه اساسا مسأله اصلی منتقدان با FATF، این شعاری زیبا بوده است.